

## مطالعه و تحلیل تطبیقی الگوی تکافل بر اساس فقه امامیه

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۱

مهدی محمدی\*

حسینعلی سعدی\*\*

محمد مهدی عسکری\*\*\*

### چکیده

با توجه به مزیت رقابتی تکافل نسبت به بیمه‌های متعارف همچون مشارکت در منافع و نیز سود سرمایه‌گذاری، مطالعه و ارائه الگوی شیعی تکافل براساس فقه امامیه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس با بررسی ساختار حقوقی تکافل مرسوم و احصاء مشکلات آن از منظر فقه امامیه، راهکارهای اصلاحی برای ارائه الگوی شیعی تکافل با محوریت عقد وکالت ارائه شد. بر این اساس با استفاده از هبه معوض به جای قصد تبرع حق مشارکت‌ها و نیز استفاده از راهکارهای جایگزینی عقد لازم بر عقد جایز وکالت، مشکلات و تعارضات حقوقی تکافل مرسوم با فقه امامیه برطرف می‌گردد. بر این اساس متصدی تکافل به عنوان یک شرکت سرمایه‌گذاری و بیمه‌گری در ضمن عقد مشارکت با صندوق تکافل که به عنوان یک شخصیت حقوقی در نظر گرفته می‌شود و متعلق به جمع مشارکت‌کنندگان است به همراه آورده سرمایه در قالب عقد شرکت، براساس شرط نتیجه وکیل صندوق تکافل گردد در عقد مشارکت و وکالت که صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل و متصدی تکافل بسته خواهد شد. طرفین عقد حق فسخ را از یکدیگر سلب خواهند کرد. تسهیم ریسک در ساختار تکافل و نه انتقال آن به شرکت‌های بیمه بازرگانی و در نظر گرفتن بیمه‌گران به عنوان وکیل مشارکت‌کنندگان در تکافل منجر به صرفه اقتصادی و کاهش هزینه‌های پوشش ریسک خواهد شد.

### واژگان کلیدی

وکالت، تکافل، فقه امامیه، هبه معوض

طبقه‌بندی JEL: Z12, K12, G22

\* دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

economy64@gmail.com

saadi@isu.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق(ع)

m.askari@isu.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

## مقدمه

در این مقاله با رویکرد فقه جزء نگر، به بررسی و تطبیق الگوی وکالت در تکافل با مبانی عقد وکالت از منظر فقه امامیه خواهیم پرداخت. اینکار برای اولین بار صورت می‌گیرد. در این بخش به منظور بررسی و تحلیل تطبیقی ساختار حقوقی تکافل از منظر فقه امامیه، در مرحله اول نظرات فقهای شیعه در زمینه مسائل و احکام وکالت عنوان خواهد شد و در نهایت بر اساس نظر مشهور در زمینه‌های مختلف وکالت و هبه معوض ساختار حقوقی تکافل برمبنای فقه امامیه ارائه خواهد شد.

از جمله دلایل اصلی پرداختن به الگوی وکالت فراگیری آن در کشورهای مسلمان و عرضه‌کننده تکافل می‌باشد که به دلیل جامعیت می‌تواند بسیاری از الگوهای دیگر را نیز در تحت شمولیت خود قرار داده و آنها را نیز تفسیر نماید. از سویی دیگر در همه الگوهای تکافل مرسوم، فعل توکیل<sup>۱</sup> TO از طرف صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل (که دارای شخصیتی حقوقی است)، انجام می‌شود. که بر این اساس عملیات بیمه‌گری، بستن قرارداد تکافل و پذیره‌نویسی تکافل و ارائه بیمه نامه تکافل به مشارکت‌کنندگان بالقوه و نیز سرمایه‌گذاری بخشی از حق مشارکت‌ها در قالب عقد مضاربه صورت می‌گیرد. لذا بررسی مبانی نظری فقه وکالت از منظر فقه امامیه و انطباق الگوی وکالت و نیز رابطه حقوقی TO با جمع مشارکت‌کنندگان می‌تواند جامعیت بیشتری نسبت به بررسی سایر الگوها از منظر فقه امامیه داشته باشد.

در این مقاله در ابتدا به بررسی مروری ساختار تکافل و ارکان آن و نیز الگوی وکالت در تکافل به صورت خاص، خواهیم پرداخت در ادامه احکام عقد وکالت از منظر فقه امامیه به صورت مشروح تبیین خواهد شد در نهایت با بررسی و مطالعه تطبیقی الگوی وکالت بر مبنای فقه امامیه، الگوی منطبق بر فقه امامیه تکافل؛ الگوی وکالت پیشنهاد خواهد شد.

## ۱. پیشینه تحقیق

در بررسی تکافل به عنوان بیمه اسلامی مطالعات بسیاری صورت گرفته است که در ادامه بخشی از این مطالعات آورده شده است.

نزدیکترین تحقیق انجام گرفته در زمینه تحلیل فقهی تکافل از منظر فقه امامیه مربوط به مقاله «بررسی الگوی های بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه) (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸) است که در آن با استفاده از روش تحقیق مطالعه چند موردی برای بررسی اسناد و مدارک به منظور شناخت الگوهای مورد استفاده شرکت های تکافل دنیا و تحلیل فقهی الگوهای شناخته شده، ضمن تشریح الگوهای تکافل مبتنی بر مضاربه، تشریح سازوکارهای عملیاتی و تفاوت های آن با بیمه رایج به این سوال پاسخ دهد که آیا برای پوشش مخاطرات احتمالی، این سازوکار از دیدگاه فقه امامیه شرعی است؟ بعد از بررسی صنعت تکافل و مقایسه تکافل با بیمه رایج به تشریح الگوهای عملیاتی تکافل مبتنی بر مضاربه پرداخته شد و در نهایت انطباق سازوکار این الگوها با فقه امامیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. از جمله مهمترین نتایج این مقاله این است که الگوای تکافل مبتنی بر مضاربه علاوه بر اینکه اهداف شرکت های بیمه را تأمین می کند، با توجه به بهره مندی تکافل شوندگان از مازاد حاصله، با مبانی اسلام و عدالت سازگارتر بوده و منطبق با فقه امامیه است.

رشیدی نژاد (۱۳۸۹) به بررسی توسعه و تعمیق بیمه در ایران و ارائه راهکارهای جدید برای افزایش ضریب نفوذ بیمه در مناطق روستایی کشور پرداخت. که علی رغم بالا بودن میزان ریسک و تعداد دفعات مواجهه با خطرات آن در این قشر در مقایسه با افراد ثروتمند جامعه، به دلیل توان مالی اندک، امکان دسترسی به خدمات بیمه ای مرسوم را ندارند.

اسماعیلی گیوی (۱۳۸۹) تکافل را از منظر میزان کارایی با بیمه متعارف مورد مذاقه قرار داده است. و نشان داده کارایی و عملکرد تکافل می‌تواند بیشتر باشد.

عظیم‌زاده آرانی (۱۳۹۱) مقایسه تطبیقی بیمه اتکایی و تکافل اتکایی را انجام داده است. در طرح تحقیقاتی دیگری با عنوان «الگوی تکافل و الزامات اجرای آن در ایران» (پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۱)، مبانی نظری الگوی تکافل از منظر عملیاتی و نیز حقوقی و فقهی به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است.

معصوم بالله (۲۰۰۳) نظر علمای اسلامی در مورد بیمه متعارف را تبیین نموده و در ادامه پوشش ریسک را در چارچوب تکافل معرفی، و با رویکرد تطبیقی تکافل را به صورت عملیاتی تبیین نموده است.

خورشید (۲۰۰۴) پوشش ریسک در اسلام را تبیین نموده و در نهایت اصول یک روند بیمه‌ای را در قالب شرع اسلام توضیح می‌دهد.

مهمین اقبال (۲۰۰۵) مشکلات بیمه متعارف و راه‌های برون رفت از ربا میسر و غرر در پوشش ریسک در غالب تکافل توضیح داده است. او همچنین از منظر اکچوئرال نرخ‌گذاری تکافل عمومی را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً آینده تکافل و مدیریت ریسک را تبیین نموده است.

سهیل جعفر (۲۰۰۶) به بررسی تکافل از منظر عمل و نظر پرداخت. توضیح بیشتر اینکه در بخش اول وضعیت بازار تکافل و آینده آن، تکافل خانواده محصولات جامع تکامل و موضوع مازاد مقایسه تکافل اتکایی و بیمه اتکایی، موضوعات کاربردی من جمله بازاریابی توزیع محصولات تکافل و نیز مدیریت دارایی‌ها در صنعت تکافل فرصت‌ها و نقاط قوت تکافل را مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

وحید اختر (۲۰۰۸) در رساله دکتری با عنوان «فرصت‌های بالقوه تکافل در پاکستان: الگوی تحول آفرین و عملیاتی» با بررسی وضعیت بازار تکافل در دنیا و مقایسه آن با بیمه رایج به پیش‌بینی میزان موفقیت این صنعت در پاکستان می‌پردازد.

آرچر و همکاران (۲۰۰۹) در اثری تحت عنوان «تکافل، بیمه اسلامی، مفاهیم و مباحث قانونی» به بررسی و معرفی تکافل از مناظر مختلف و با رویکرد تطبیقی با بیمه متعارف پرداخته‌اند. در این کتاب مدل‌های مختلف تکافل تشریح گردیده است.

فضلی یوسف و همکاران (۲۰۱۱) در کتاب تحت عنوان «بنیان‌های تکافل» تکافل عمومی و خانواده و مسائل کاربردی و عملیاتی تکافل مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند. مسائل مربوط به اداره شرکت‌های تکافل و کفایت سرمایه و سرمایه‌گذاری در تکافل در این کتاب به صورت مفصل تبیین شده است.

یاسین و راملی (۲۰۱۱) در اثری تحت عنوان «تکافل: راهنمای مطالعه» بنیان‌های شرعی تکافل، انواع تکافل عمومی و خانواده و تکافل درمان را تبیین نموده‌اند تکافل خانواده و تکافل عمومی و اصول آن تشریح گردیده است.

اسماعیل عظامشاه (۲۰۱۱) در کتاب راهنمای واسطه‌گری تکافل مقدماتی در بخش اول بعد از بررسی مبانی دینی تکافل، طبقه‌بندی تکافل و تکافل اتکایی، چالش‌های پیش روی تکافل تبیین شده است. در بخش دوم کتاب لوازم و شرایط لازم برای واسطه‌گری تکافل توضیح داده شده است.

ذوالکفلی و همکاران (۲۰۱۲) در کتاب «کاربردهای اصلی تکافل، سطح مقدماتی برای کاربران» به موضوعاتی چون تکافل درمان تکافل عمومی تکافل خانواده و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با تکافل پرداخته است. در این کتاب علاوه بر بررسی مفاهیم ریسک، مقایسه‌ای بین تکافل و بیمه متعارف صورت گرفته است

گانیولال (۲۰۱۳) در کتاب «تکافل و بیمه متقابل، رویکردهای جایگزین مدیریت ریسک» مدل‌های مختلف تکافل را بررسی می‌کند. مدل وکالت تکافل از منظر نظریه عامل-مالک و تعارض منافع بین متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان در مدل وکالت مورد بررسی قرار گرفته است.

در هیچ یک از تحقیقات انجام گرفته تاکنون، تحلیل فقهی الگوی وکالت تکافل به عنوان یک ساختار بیمه‌ای از منظر فقه امامیه صورت نگرفته است.

## ۲. ساختار تکافل

ساختار اساسی قرارداد تکافل توسط متصدی تکافل طراحی می‌شود. با توجه به چگونگی پرداخت حق‌الزحمه به متصدی تکافل الگوهای مختلف تکافل شکل می‌گیرد که عبارتند از مدل وکالت (عاملیت) و مدل مضاربه (مشارکت در سود)، مدل وکاله همراه با پاداش عملکرد<sup>۲</sup> و مدل مضاربه تعدیل شده، مدل مضاربه- وکالت یا مدل مختلط<sup>۳</sup>، مدل وکالت- مضاربه- وقف (Archer et al., 2009).

اجزاء مدل تکافل عبارتند از: مشارکت کنندگان<sup>۴</sup> که با پرداخت حق مشارکت به عضویت طرح مراقبت متقابل (مطابق با شریعت) با الگوی وکالت در می‌آیند. حق مشارکت‌های متکافلین یا مشارکت کنندگان وارد صندوق مشارکت کنندگان<sup>۵</sup> (PTF) تکافل می‌گردد. مدیریت وجوه موجود در PTF برعهده متصدی تکافل (TO)، که یک شرکت تجاری همراه با سهامدارانش می‌باشد، خواهد بود. هزینه‌های عملیاتی و جبران خسارات توسط صندوق PTF پرداخت خواهد شد. در تکافل خانواده بخشی از حق مشارکت‌های هر متکافل در حسابی تحت عنوان حساب ویژه مشارکت کنندگان نگهداری می‌شود و بخش دیگر در حساب مشارکت کنندگان که به صورت فردی در نظر گرفته می‌شود، سرمایه‌گذاری می‌شود. مشارکت کنندگان به صورت مشترک و متقابل صندوق پوشش ریسک را ایجاد می‌کنند که خسارات و نیز مبالغ سرمایه‌گذاری از این صندوق تأمین می‌گردد.

در صورتی که میزان تعهدات و خساراتی که باید پرداخت شود از میزان حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده بیشتر گردد، کسری به وجود خواهد آمد در چنین حالتی، متصدی تکافل موظف است تا از شرکت تکافل که دارای تعدادی سهامدار است، وام قرض‌الحسنه‌ای را برای جبران کسری‌ها، فراهم آورد. متصدی تکافل می‌تواند در مورد

نحوه مدیریت حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده در PTF، میزان تخصیص آن به تکافل اتکایی و سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری نماید (Ismail, 2011؛ Archer et al., 2009؛ Yassin and Ramly, 2011؛ Zalkifli et al., 2012).

تکافل عمومی هر چند نه به طور دقیق ولی مشابه ترتیب بیمه متقابل در بیمه مرسوم، عمل می‌نماید (رامین کوپر میثمی و دبلیو جین کون، بی‌تا). تکافل عمومی در برگیرنده رشته‌های بیمه‌ای مختلف کوتاه‌مدت (حداکثر ۱۲ ماهه) از جمله بیمه وسایل نقلیه موتوری و بیمه کسب‌وکار می‌باشد (Jaffer, 2007).

تکافل خانواده، طرح تکافلی است که با هدف تأمین حفاظت و پس‌انداز بلندمدت مشارکت‌کنندگان ارائه می‌گردد. مشارکت‌کننده تکافل خانواده مبلغ معینی را به صندوق تکافل پرداخت می‌نماید. بخشی از حق مشارکت در حساب ویژه مشارکت‌کنندگان (PSA)<sup>۶</sup> وارد خواهد شد که با نیت تبرع پرداخت می‌گردد. بخش دیگر حق مشارکت در حساب مشارکت‌کنندگان (PA)<sup>۷</sup> برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به کار خواهد رفت. حساب ویژه مشارکت‌کنندگان به منظور عمل به تعهدات متقابل برای کمک و حمایت از مشارکت‌کنندگان یا متکافلینی که خطر مرگ یا از کارافتادگی دائمی برای آنها رخ داده باشد، ارائه می‌گردد (Zalkifli et al., 2012).

### ۳. بررسی تطبیقی الگوی وکالت و ارائه راهکارهای فقهی از منظر فقه امامیه

#### ۳-۱. ماهیت حقوقی تکافل مرسوم

قبل از ورود به شناسایی اشکال و ارائه الگوی وکالت در تکافل بر مبنای فقه امامیه ابتدا ماهیت حقوقی الگوی وکالت را در تکافل مرسوم تبیین می‌نماییم.

در تکافل TO از طرف شخصیت حقوقی صندوق تکافل وارد قرارداد بیمه می‌شود که یکی از طرفین قرارداد تکافل بین هر یک از مشارکت‌کنندگان و صندوق خسارات خواهد بود به عبارتی وکیل نماینده شخصیت حقوقی صندوق خسارات یا جمع

مشارکت‌کنندگان خواهد بود که در قرارداد تکافل که یک عقد است پذیره‌نویسی عقد تکافل را انجام می‌دهد او همچنین در فعالیت سرمایه‌گذاری در قالب عقود مشارکتی به عنوان عامل ایفای نقش می‌نماید. به عبارت دیگر در عملیات بیمه‌گری و کیل به نمایندگی از صندوق خسارات یا صندوق تکافل که شخصیتی حقوقی دارد وارد عقد بیمه با هر یک از مشارکت‌کنندگان یا متکافلین خواهد شد که تعهدات صندوق تکافل را در قالب عقد تکافل انجام دهد. از جمله تعهدات صندوق تکافل، جبران خسارات احتمالی در صورت وقوع برای خطرات معین برای هر یک از متکافلین می‌باشد و نیز سرمایه‌گذاری بخشی از حق مشارکت‌ها در قالب عقود مشارکتی که بر اساس الگوهای مختلف تکافل بخشی از سود سرمایه‌گذاری به عنوان حق عامل به شرکت TO تعلق خواهد گرفت. از سویی دیگر شرکت TO نیز وارد یک عقد وکالت با صندوق تکافل که متعلق به جمع مشارکت‌کنندگان است می‌شود که در قبال دریافت حق‌الوکاله تعهدات صندوق تکافل را در قبال شخص ثالث یا هر یک از مشارکت‌کنندگان به انجام برساند. بر این اساس عقد تکافل در برگیرنده دو عقد است یک عقد اولی که بین جمع مشارکت‌کنندگان (صندوق تکافل) و شرکت TO صورت می‌گیرد و یک عقد که بین شرکت TO و هر یک از مشارکت‌کنندگان صورت می‌گیرد.

هر یک از مشارکت‌کنندگان با نیت تبرع با هدف اینکه جبران خسارات احتمالی توسط صندوق خسارات صورت گیرد، حق مشارکت‌های دریافتی را به صندوق خسارات می‌بخشد. با این شرط که در صورت وقوع خسارات تعریف شده صندوق تکافل خسارات وقوع یافته را پرداخت نماید. در این رابطه حقوقی شرکت TO نماینده صندوق تکافل خواهد بود. عقد بین TO و صندوق تکافل (که دارای شخصیت حقوقی است) در قالب یک عقد مضاربه خواهد بود که در ضمن عقد مضاربه (TO به عنوان عامل و صندوق تکافل به عنوان صاحب سرمایه) شرکت TO وکیل صندوق تکافل می‌گردد تا وجوه موجود در صندوق خسارات را مدیریت نماید و تعهدات صندوق



تکافل را در قبال مشارکت‌کنندگان به انجام رساند. از سویی دیگر می‌تواند از جانب صندوق تکافل با متکافلین بالقوه وارد عقد تکافل گردد. و هر متکافل با نیت تبرع حق مشارکت پرداختی را به صندوق تکافل ببخشد البته به شرطی که در صورت وقوع خسارت مشخص صندوق تکافل خسارت او را جبران نماید.

### ۲-۳. تبیین الگوی وکالت در تکافل بر مبنای فقه امامیه

در این قسمت ابتدا ماهیت حقوقی تکافل مرسوم تبیین خواهد شد. در ادامه بر اساس فقه امامیه مشکلات ساختار حقوقی تکافل اشاره می‌شود. در قسمت بعد ساختار حقوقی تکافل از منظر فقه امامیه در قالب عقود اسلامی تشریح می‌شود.

### ۳-۲-۱. مشکلات تکافل مرسوم از نظر فقه امامیه

از جمله مشکلات تکافل مرسوم از منظر فقه امامیه، لازم نبودن عقد وکالت می‌باشد لذا شرکت TO می‌تواند به صورت یک طرفه قرارداد بیمه‌گری را که بین PTF و TO برقرار شده بود لغو نماید. لذا سرمایه‌گذاری و بیمه‌گری و پذیره‌نویسی تکافل و بسیاری از اموری که انجام آن از طریق PTF برعهده TO قرارداد شده بود، با انصراف TO بلا تکلیف باقی می‌ماند و حقوق مشارکت‌کنندگان در چنین شرایطی نادیده انگاشته می‌شد. از دیگر مشکلات تکافل از منظر فقه امامیه، نیت تبرع با عوض مادی می‌باشد که از منظر فقه امامیه نیت تبرع بدون عوض مادی انجام می‌شود و نه مشروط به عوض مادی. مشکل اساسی دیگر موجود در تکافل مرسوم از منظر فقه امامیه این است که در صورتی که مشارکت‌کنندگان حق مشارکت را تبرع نمایند و براساس کارشناسان تکافل، حق مشارکت از مالکیت آنها خارج شود، با چه مبنایی، مازاد پذیره‌نویسی به آنها تعلق خواهد گرفت.

در ادامه راهکارهای مناسب از منظر فقه امامیه برای حل مشکلات فوق‌الذکر ارائه خواهد شد.

### ۳-۲-۲. تبیین تکافل بر مبنای فقه امامیه

تبیین عقد تکافل بر مبنای فقه امامیه به شرح زیر می‌باشد:

تکافل از مشتقات واژه عربی «کفالت» است. کفالت از ریشه «کفل»، به معنای ضمانت است در المعجم الوسیط «تکفل» به معنای التزام به کار رفته است: تکفل الشيء به معنای التزام به شیء.

ریشه کفل در قرآن به چهار معنی به کار رفته است:

- أ. نصیب - مثل (حدید / ۲۸)،
- ب. بهره (دو برابر) (نساء / ۱۰)،
- ج. سرپرستی (آل عمران / ۳۴)
- د. ضامن (آل عمران / ۴۴).

تکافل اجتماعی نیز در اصطلاح به معنای تعاون اعضاء جامعه - به صورت فردی و اجتماعی - جهت تحقق خیر و صلاح جامعه و رفع ناخوشی‌ها دانسته شده است. در توضیح این اصطلاح همچنین گفته شده منظور از تکافل اجتماعی - براساس معنای لفظی آن - این است که تک تک افراد جامعه سرپرستی و ضمانت سایر اعضاء جامعه را برعهده داشته باشد و اینکه هر فرد صاحب قدرت و توانی به قدر توان خود امور صلاح و خیر جامعه را پیگیری نماید و تمام نیروهای انسانی به منظور حفاظت از مصالح جامعه با هم متحد شوند.

قراردادی که با عنوان تکافل طراحی شده، مشتمل بر تعدادی از عقود معین و معهود در زمان شارع است که عبارت است از: مضاربه، هبه، قرض الحسنه. از مجموعه این عقود، هدف اصلی حاصل می‌شود که عبارت از تأمین در مقابل خطرات مالی احتمالی است؛ بنابراین، گرچه در عقد تکافل از این سه نوع عقد استفاده شده است، ولی هدف آن با اهداف هر سه عقد به تنهایی متفاوت است؛ یعنی این قرارداد، با مضاربه که هدف از آن، صرفاً رسیدن به سود سرمایه‌گذاری است و هبه که مقصود از آن، بخشش مالی

بدون عوض به شخص است و قرض که تملیک مال در مقابل بدل آن می‌باشد، تفاوت دارد. گرچه هدف اصلی تکافل با ترکیب این سه عقد حاصل شده است و بنابر قاعده «العقود تابعة للقصود»، علاوه بر اینکه عقد بدون قصد باطل است، عقد از نظر نوع کم، کیف و شرایط آن نیز تابع قصد متعاقدان است (مکارم شیرازی، به نقل از بنی‌هاشمی، ۱۴۲۴ق)، بنابراین در این قرارداد، قصد اصلی متعاقدین، ایجاد تأمین در مقابل خطرات احتمالی است، تا ضمن بهره‌مندی از سود سرمایه‌گذاری خود به این هدف نیز برسند. بنابراین لازم است در این قرارداد، متعاقدان از شرایط عمومی از جمله بلوغ، عقل، اختیار، رشد و عدم فلس برخوردار باشند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸). و شرایط خاص قراردادهای مضاربه، هبه معوض و وکالت، نیز بر آن حاکم باشد.

یکی از مشکلاتی که از لفظ تکافل به ذهن متبادر می‌شود، این است که تکافل همان ضمانت بدنی است که در فقه شیعه کاربرد دارد به عبارت دیگر تکافل را (کفالت دو طرفه) یا ضمان بدنی متقابل در نظر می‌گیرند. قبل از طرح اشکال توضیح اجمالی در مورد تکافل خالی از فایده نیست.

کفالت عبارت است از تعهد نفس یا صیغه مشتمله بر ایجاب و قبول. مثل اینکه کسی طلب مالی از کسی دارد یا دعوایی با کسی دارد و گریبان او را بگیرد که بیا وفا کن به حق من و دیگری بیاید و کفیل او شود و بگوید او را مرخص کن برو و تو هر وقت که او را بخواهی من او را حاضر می‌کنم- یا بعد از فلان مدت هرگاه او را خواهی حاضر می‌کنم.

کفالت از عقود لازمه است و آن مثل ضمانت است، و لکن ضمانت تعهد به مال است و کفالت تعهد به نفس. یعنی ملتزم شدن به این که مکفول را احضار نماید هر زمانی که مکفل له بخواهد و محل کفالت نفسی است که مدیون باشد و طلبکار حق خود را از وی مطالبه نماید و یا قتل نفسی و یا جنایت دیگری بر شخصی وارد کرده باشد که از وی مطالبه قصاص و یا دیه نماید (المحشی،<sup>۸</sup> بی تا).

کفالت عبارت است از ملتزم شدن کسی بر حاضر ساختن شخصی در هر وقتی که طلبکار بخواهد و رضای کفیل و طلبکار و رضای مدیون ضروری نیست در حالی که تکافل در صنعت بیمه به معنی تعهد به جبران خسارت متقابل در موقع خطر معین و مشخص است که در ازای پرداخت حق مشارکت بر گردن صندوق تکافل می‌آید. مشکل و شبهه اساسی دیگری که بر تکافل یا بیمه متقابل گرفته می‌شود ضمان مالم یجب می‌باشد. بر این اساس به بررسی ضمان مالم یجب و اینکه آیا تکافل مصداق ضمان مالم یجب است یا خیر و نیز صحت بطلان ضمان مالم یجب از منظر فقهای شیعه می‌پردازیم. لازم به ذکر است که این اشکال می‌تواند برای تمام رشته‌ها و ساختارهای بیمه‌ای مطرح گردد. لذا به صورت مبسوط این اشکال مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجایی که تکافل برگرفته از بیمه‌های متقابل می‌باشد، و اینگونه برداشت می‌شود که یک فرد، فرد متقابل را در مقابل خطر مشخصی ضمانت می‌نماید و متعهد به جبران خسارت می‌گردد و فرد مقابل نیز در قبال این عمل متعهد به جبران متقابل برای فرد اول می‌گردد. در چنین حالتی ضمان مالم یجب مطرح می‌شود و به علت ضمان مالم یجب بیمه متقابل و در نتیجه آن تکافل باطل دانسته می‌شود. در حالی که در تکافل فرد بیمه‌گذار با صندوق تکافل و جمعی از بیمه‌گزاران مواجه است و خطر معین و تعریف شده در ازای دریافت حق مشارکت پوشش داده می‌شود. از سویی دیگر اگر تکافل را نوعی ضمان بدانیم، هیچ یک از اسباب ضمان قهری مثل اتلاف، ید، تسبیب و مانند آن در مورد تکافل صدق نمی‌کند و همچنین برای اینکه ضمان عقدی بر آن صدق نماید نیز با مشکل روبه‌رو است؛ زیرا شرط صحت ضمان عقدی ثبوت دین فی ذمه مضمون عنه است (طوسی، ۱۳۸۷؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق). که در تکافل (یا بیمه متقابل) تحقق نمی‌یابد. پس بیمه تکافل مصداق ضمان مالم یجب است چون در زمان بسته شدن

قرارداد تکافل ضمانی به وجود نیامده یا ذمه‌ای مشغول نشده تا مشمول ضمان عقدی شود و مصداق ضمان مالم یجب می‌باشد. و التزام مالا یلزم است.

حلی (۱۴۱۳) علاوه بر مالیت داشتن مضمون به، یکی دیگر از شرایط صحت ضمان را ثابت بودن حق مضمون به در ذمه مضمون عنه می‌داند. دلیل دیگر فقها امامیه بر بطلان ضمان مالم یجب اجماع است (حلبی، ۱۴۱۷ق). در نقد ادله بطلان ضمان مالم یجب، می‌توان مواردی از ضمان را بر شمرد که با وجود اینکه سبب دین در آن فعلیت نیافته است، برخی از فقهاء حکم به صحت آنها داده‌اند.

ضمان عهده یا ضمان درک یکی از مواردی است که با وجود ضمان مالم یجب بودن فقهاء آن را صحیح می‌دانند. منظور از ضمان عهده در تعبیرات فقهاء، ضمان عهده ثمن یا مثن است که بر دو قسم است:

- ا. ضمان ثمن برای مشتری از طرف بایع؛ یعنی در صورتی که مبیع ملک غیر باشد.
- ب. ضمان ثمن برای بایع از طرف مشتری؛ یعنی در صورتی که ثمن مستحق للغير یا معیوب درآید، غرامت به عهده وی باشد و بایع بتواند به وی مراجعه نماید (بحرانی، ۱۴۰۵ق).

فقهاء امامیه اجماع را دلیل صحت این ضمان می‌دانند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق). همچنین برخی فقهاء امامیه ضمان مال الجعالة و مال السبق و الرمايه قبل از انجام عمل را نیز صحیح دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق). صاحب عروه الوثقی از جمله فقهائی است که حکم به صحت این نوع ضمان قبل از انجام عمل می‌دهد و عقیده دارد فراهم بودن مقتضی ضمان، در صحت ضمان کفایت می‌کند و دیگر نیازی به ثبوت فعلی ضمان نداریم (یزدی، ۱۴۰۹ق).

ضمان اعیان مضمونه نیز نوعی از ضمان مالم یجب است؛ زیرا در این نوع ضمان، اگر عین تلف شود، ضامن باید مثل یا قیمت آن را به مضمون‌له برگرداند و این در حالی است که هنگام عقد ضمان، هنوز عین تلف نشده است. برخی از فقهاء امامیه به

صحت ضمان اعیان مضمونه فتوا داده‌اند، علامه در تذکره (حلی، بی‌تا) ترجیح جواز داده است. این قول از کتاب المبسوط نیز منقول است (طوسی، ۱۳۸۷) و مقدس اردبیلی (۱۴۰۳ق، جلد ۹)، نیز میل به جواز کرده‌اند.

درباره دلیل اجماع بر بطلان ضمان مالم یجب نیز باید گفت که این اجماع به هیچ وجه ثابت نشده است و در حد یک نقل است (آصفی، ۱۳۸۰). صاحب عروه الوثقی، اجماع بر بطلان ضمان مالم یجب را درست ندانسته‌اند (یزدی، ۱۴۰۹ق) و میرزای قمی نیز ضمن بیان مواردی از حکم فقها مبنی بر قبول ضمان قبل از تحقق سبب، اجماع بر ضمان مالم یجب به طور مطلق را رد می‌نماید (گیلانی، ۱۴۱۳ق).

هر چند ادله بطلان ضمان مالم یجب تمام نیست، شایان ذکر است که در صورتی تکافل از قبیل ضمان مالم یجب است که بیمه‌گر نسبت به تلف عین، تعهد فعلی نموده و منشأ در آن فعلی باشد، اما در صورتی که قبول تعهد بعدی کند و منشأ موکول به تلف عین در آینده باشد (روحانی، ۱۳۷۹) (یعنی بیمه‌گر در انشای عقد تکافل تعهد نکند که به مجرد عقد، جبران خسارت نماید یا در تکافل خانواده سرمایه فوت را به بیمه‌گذار پرداخت می‌کند)، بلکه تعهد خود مبنی بر پرداخت سرمایه بیمه‌ای را موکول به وقوع خطر مشخص شده در بیمه نماید. در این صورت تعهد او به هیچ وجه مصداق ضمان مالم یجب نیست. اگرچه نوعی تعلیق است ولی دلیلی بر بطلان تعلیق، به ویژه این نوع تعلیق وجود ندارد. به عبارت دیگر اگر مقصود ضمان، اشتغال ذمه بعد از تلف بوده باشد، اشکالی ندارد زیرا شخص در این صورت انشاء تعهد بعدی کرده است. لذا تکافل و بیمه متقابل از مصادیق ضمان مالم یجب و التزام مالا یلزم نخواهد بود (سعدی و میرزایی، ۱۳۹۲). از سویی دیگر معوض در تکافل و یا هر عقد بیمه دیگری آرامشی است که در هنگام بستن قرارداد بیمه به بیمه‌گذار منتقل می‌گردد. و در واقع این آرامش چه خسارت اتفاق بیفتد یا نه به بیمه‌گذار یا مشارکت‌کننده در تکافل منتقل گردیده است.

در صورتی که وکالت را جزء عقود معاوضی و مبادله ای در نظر بگیریم ماهیتاً لازم خواهد بود، لذا بر اساس تحلیل آقای هاشمی شاهرودی در کتاب المضاربه می توان وکالت را نیز در صورتی که معاوضی و مبادله ای در نظر گرفته شود، جزء عقود لازم در نظر گرفت با این وجود می توان شرکت TO به عنوان یک شرکت سرمایه گذاری و بیمه گری در ضمن عقد مشارکت با صندوق تکافل که به عنوان یک شخصیت حقوقی در نظر گرفته می شود و متعلق به جمع مشارکت کنندگان است به همراه آورده سرمایه در قالب عقد شرکت، براساس شرط نتیجه وکیل صندوق تکافل گردد وکالت صندوق تکافل را به عنوان یک شخصیت حقوقی برعهده می گیرد که از طرف صندوق تکافل عملیات پذیرهنویسی تکافل را انجام دهد، بر این اساس بخشی از حق مشارکت های پرداختی توسط مشارکت کنندگان به عنوان حق الوکاله به شرکت TO تعلق خواهد گرفت البته طرفین عقد وکالت در ابتدای امر، حق فسخ را از یکدیگر سلب می نمایند. تمام تعهدات مربوط به بیمه گری و نیز سرمایه گذاری نگهداری ذخایر، واگذاری تکافل اتکایی، قیمت گذاری و سنجش ریسک را انجام خواهد داد. لذا عقد تکافل در قالب عقد وکالت (با سلب حق فسخ توسط طرفین لازم الوفا می گردد). در ضمن عقد مشارکت صورت می گیرد، البته با سلب حق فسخ عقد وکالت توسط طرفین عقد وکالت آثار عقد لازم را به خود می گیرد و ذات عقد وکالت جایز است.

نیت تبرع در تکافل مرسوم را به صورت هبه معوض در نظر می گیریم از آنجایی که در فقه امامیه تبرع معوض (در ازای عوض مادی) تعریف نشده است. نیت تبرع در تکافل مرسوم محل اشکال است. لذا در الگوی شیعی تکافل، به جای نیت تبرع، نیت هبه معوض صورت می گیرد. به عبارت دیگر متکافل به شرط پوشش خسارات احتمالی توسط جمع مشارکت کنندگان، حق مشارکت خود را هبه می نماید.

در یک دیدگاه فقهی، تکافل را می توان تحت عقد هبه معوض درج نمود. هبه عقدی است که بموجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک کند.

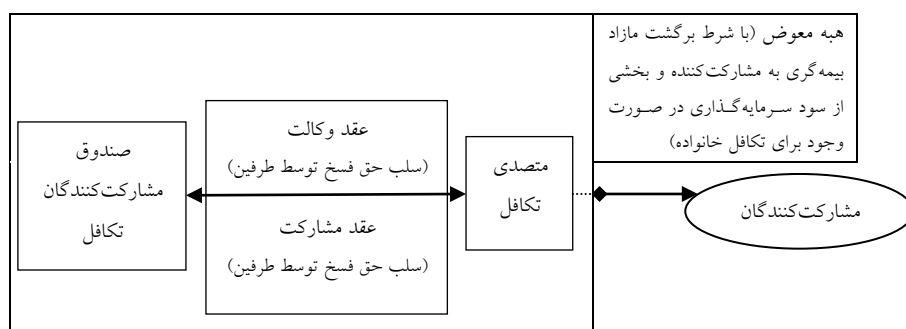
تملیک‌کننده را واهب، طرف دیگر را متهب و مالی را که مورد هبه است، موهوبه می‌گویند. ارکان قرارداد هبه عبارتند از:

- ا. طرفین قرارداد: کسی که مال خود را هبه می‌کند واهب و آنکه قبول می‌نماید متهب یا موهوبه نام دارد،
- ب. ایجاب و قبول: انعقاد هبه، نیاز به ایجاب واهب و قبول متهب دارد،
- ج. موضوع قرارداد هبه: چیزی که مورد هبه واقع می‌شود را عین موهوب می‌نامند. مورد هبه باید عین باشد و منافع نمی‌تواند مورد هبه واقع شود،
- د. قبض عین موهوبه: در صحت عقد هبه علاوه بر قبول متهب، قبض عین موهوبه توسط او نیز شرط است (موسویان و بهاری قراملکی، ۱۳۹۱).

در عقد هبه مثل دیگر عقود لازم است شرایط اساسی عقد از قصد و رضای طرفین، معین بودن مورد عقد و اهلیت وجود داشته باشد. واهب مالک ملکی است که هبه می‌کند. متهب طرف قبول هبه است، کسی که از عقد هبه منتفع می‌شود و قبول ممکن است به وسیله قیم، ولی و یا وکیل صورت گیرد. هبه از یک جهت به دو نوع معوض و غیرمعوض تقسیم می‌شود. البته هبه غالباً به صورت غیرمعوض انجام می‌شود، اما بنا بر نظر فقها هبه می‌تواند معوض باشد. این عوض می‌تواند شرط شده باشد و یا غیرمشروط باشد. در هبه معوض مشروط، هر چیزی که طرفین شرط کرده باشند می‌تواند به عنوان عوض در نظر گرفته شود. در این صورت ضرورتی ندارد بین ارزش عوض و آنچه هبه شده است هم سنگی وجود داشته باشد. همچنین عوض می‌تواند مالی و یا عملی باشد که در مقابل هبه شخص واهب پرداخت یا انجام می‌شود. تأیید این شکل از هبه توسط فقها موجب شده است تا در قانون مدنی ایران نیز ماده‌ای برای آن اختصاص یابد. در ماده ۸۰۱ ق.م.آ.م.ا است: «هبه می‌تواند معوض باشد و واهب شرط کند که متهب مالی را به او در مقابل هبه تملیک کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد». در توضیح این بند گفته شده: «معوض بودن هبه این



نیست که تملیکی در مقابل تملیکی صورت گیرد و ارزشی در مقابل ارزشی قرار گیرد، آنچنان که در بیع و اجاره دیده می‌شود بلکه هبه‌ای به شرط هبه دیگر و در نتیجه هبه‌ای جوابگوی هبه دیگر است نه مالی جوابگوی مال دیگر». بر همین اساس در دیدگاه درج تکافل ذیل عقد هبه معوضه، عملیات مذکور اینگونه تحلیل می‌شود: «متکافلین مبالغی را (که همان حق مشارکت است) به صندوق تکافل هبه می‌نمایند و صندوق تکافل در عوض خسارت‌های معینی را (که نوع و میزان آنها در دستورالعملی تعیین و ثبت گردیده) برای متکافلین جبران می‌نماید و این قرارداد مشروع خواهد بود». از سویی دیگر ضمن عقد هبه مشارکت کنندگان شرط می‌نمایند که مازاد باقی مانده متعلق به آنها باشد. یعنی شرکت TO مازاد باقی مانده پذیرهنویسی یا منافع بیمه‌گری را به مشارکت کنندگان برگرداند. نکته اساسی که ممکن است به صورت اشکال مطرح شود این است که در هبه باید موهوب عین باشد و منافع نمی‌تواند هبه شود. بنابراین خسارت انتظاری یا آرامش و تأمین نمی‌تواند به عنوان عوض در نظر گرفته شود. این اشکال اینگونه پاسخ داده می‌شود که موهوب در تکافل حق مشارکت‌های پرداختی خواهد بود که عین هستند و نه منافع و معلوم‌المقدار می‌باشند و تأمین یا آرامش یا جبران خسارت احتمالی عوض خواهند بود که می‌تواند شرط باشد و لازم نیست که همسنگی و هم‌ترازی همانگونه که در بالا اشاره شده است بین موهوب و عوض وجود داشته باشد.



شکل (۱): ساختار حقوقی تکافل بر مبنای فقه امامیه

بر مبنای شکل ۱ روابط حقوقی بین ذینفعان تکافل در ادامه به طور خلاصه ارائه خواهد شد:

(۱) شرکت TO به عنوان یک شرکت سرمایه‌گذاری و بیمه‌گری در ضمن عقد مشارکت با صندوق تکافل که به عنوان یک شخصیت حقوقی در نظر گرفته می‌شود و متعلق به جمع مشارکت‌کنندگان است به همراه آورده سرمایه در قالب عقد شرکت، براساس شرط نتیجه وکیل صندوق تکافل گردد.

(۲) در عقد مشارکت و وکالت که بین PTF و To بسته خواهد شد طرفین عقد حق فسخ را از یکدیگر سلب خواهند کرد.

(۳) To به وکالت از طرف PTF در ضمن عقد هبه معوض وارد قرارداد تکافل می‌گردد. به عبارت دیگر حق مشارکت (که معلوم المقدار است توسط مشارکت‌کننده به PTF هبه می‌شود در ازای جبران خسارت احتمالی برآمده از خطرات معین به شرط اینکه مازاد بیمه‌گری و بخشی از سود سرمایه‌گذاری به مشارکت‌کننده برگردد.

(۴) عقد هبه لازم است. تنها موهوب باید عین معلوم المقدار باشد لازم نیست که عوض عین معلوم المقدار باشد و می‌تواند منافع، شرط یا ... باشد. هم‌ترازی و هم‌سنگی بین موهوب و عوض لازم نیست. لذا تأمین یا جبران خسارت انتظاری می‌تواند به ازای عوض در نظر گرفته شود.

#### ۴. اثر اقتصادی تغییر ساختار حقوقی پوشش ریسک‌های بیمه پذیر در دو مدل بیمه

از آنجایی که مبنای بیمه و پوشش ریسک، اصل تقابل و پوشش مشارکت‌کنندگان به صورت متقابل در مقابل خطر یکسان و مشترک است، ذات بیمه و پوشش ریسک به صورت مشارکت دسته جمعی می‌باشد. تغییر ساختار حقوقی پوشش ریسک‌های بیمه پذیر از بیمه‌های متعارف به تکافل، هزینه تمام شده ارائه خدمت پوشش بیمه‌ای را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر تمام مازاد پذیره‌نویسی و بیمه‌گری متعلق به بیمه‌گذاران خواهد بود. تغییر روابط حقوقی بیمه‌های متعارف و حرکت به سمت بیمه‌های متقابل

منجر به تغییر نقش واسطه‌گری شرکت بیمه خواهد شد. به عبارت دیگر در ساختار حقوقی تکافل TO به عنوان شخصیتی حقوقی که مدیریت وجوهات صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل را بر عهده دارد، مالک آن نخواهد بود و صرفاً وکیل مشارکت‌کنندگان می باشد؛ در حالیکه در بیمه‌های متعارف مالکیت حق بیمه‌های پرداختی توسط بیمه‌گذاران در ازای انتقال ریسک خود به شرکت‌های بیمه به بیمه‌گر منتقل می‌شود. بر این اساس شرکت‌های بیمه صرفاً به دنبال حداکثرسازی سود انتظاری خود خواهند بود در حالیکه در تکافل جزء سود در حق بیمه به کارمزد TO به عنوان دستمزد بیمه‌گری و قیمت‌گذاری و مدیریت ریسک پرداخت می‌شود که میزان آن بسیار کمتر از سود بیمه‌گر در ساختار حقوقی بیمه‌های متعارف می‌باشد.

تسهیم ریسک در ساختار تکافل و نه انتقال آن به شرکت‌های بیمه و در نظر گرفتن بیمه‌گران به عنوان وکیل مشارکت‌کنندگان در تکافل منجر به صرفه اقتصادی و کاهش هزینه‌های پوشش ریسک خواهد شد. این مسأله اثرگذاری مثبت بخش مالی و کاغذی اقتصاد بر بخش واقعی اقتصاد را دو چندان خواهد کرد. از سویی دیگر ریسک کارآفرینی در عرصه‌های استراتژیک را برای تولیدکنندگان به میزان زیادی کاهش خواهد داد. به عبارت دیگر بسیاری از ریسک‌های استراتژیک با ضریب خسارت بالا انگیزه ورود شرکت‌های بیمه بازرگانی را به حداقل میزان ممکن رسانده است. در حالی که ساختار حقوقی تکافل ریسک‌پذیری کارآفرینان ریسک‌گریز را برای ورود به ریسک‌های استراتژیک افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد داد.

### **جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

در این مقاله با رویکرد فقه جزء نگر، بررسی و تطبیق الگوی وکالت در تکافل با مبانی عقد وکالت از منظر فقه امامیه صورت گرفت. شایان ذکر است که این کار برای اولین بار انجام شد.

بر اساس مطالعات صورت گرفته در این مقاله نتایج کار به صورت خلاصه به شرح زیر است:

- مشکلات فقهی تکافل مرسوم از منظر فقه امامیه: از جمله مشکلات تکافل مرسوم از منظر فقه امامیه، لازم نبودن عقد وکالت می باشد، لذا شرکت TO می تواند به صورت یک طرفه قرارداد بیمه گری را که بین PTF و TO برقرار شده بود لغو نماید. لذا سرمایه گذاری و بیمه گری و پذیره نویسی تکافل و بسیاری از اموری که انجام آن از طریق PTF بر عهده TO قرارداد شده بود، با انصراف TO بلا تکلیف باقی می ماند و حقوق مشارکت کنندگان در چنین شرایطی نادیده انگاشته می شد.

از دیگر مشکلات تکافل از منظر فقه امامیه، نیت تبرع با عوض مادی می باشد که از منظر فقه امامیه نیت تبرع بدون عوض مادی انجام می شود و نه مشروط به عوض مادی. مشکل اساسی دیگر موجود در تکافل مرسوم از منظر فقه امامیه این است که در صورتی که مشارکت کنندگان حق مشارکت را تبرع نمایند و براساس کارشناسان تکافل، حق مشارکت از مالکیت آنها خارج شود، با چه مبنایی، مازاد پذیره نویسی به آنها تعلق خواهد گرفت. در ادامه ساختار حقوقی مناسب برای تکافل از منظر فقه امامیه برای حل مشکلات فوق الذکر ارائه خواهد شد:

۱. شرکت TO به عنوان یک شرکت سرمایه گذاری و بیمه گری در ضمن عقد مشارکت با صندوق تکافل که به عنوان یک شخصیت حقوقی در نظر گرفته می شود و متعلق به جمع مشارکت کنندگان است به همراه آورده سرمایه در قالب عقد شرکت، براساس شرط نتیجه وکیل صندوق تکافل گردد.

۲. در عقد مشارکت و وکالت که بین PTF و To بسته خواهد شد طرفین عقد حق فسخ را از یکدیگر سلب خواهند کرد.

۳. To به وکالت از طرف PTF در ضمن عقد هبه معوض وارد قرارداد تکافل می گردد. به عبارت دیگر حق مشارکت (که معلوم المقدار است توسط

مشارکت‌کننده به PTF هبه می‌شود در ازای جبران خسارت احتمالی برآمده از خطرات معین به شرط اینکه مازاد بیمه‌گری و بخشی از سود سرمایه‌گذاری به مشارکت‌کننده برگردد.

۴. عقد هبه لازم است. تنها موهوب باید عین معلوم المقدار باشد لازم نیست که عوض عین معلوم المقدار باشد. و می‌تواند منافع، شرط یا... باشد. هم ترازوی و هم سنگی بین موهوب و عوض لازم نیست. لذا تأمین یا جبران خسارت انتظاری می‌تواند به ازای عوض در نظر گرفته شود.

در پایان خاطر نشان می‌گردد که تغییر ساختار حقوقی بیمه‌های بازرگانی و حرکت به سمت ساختار تکافل، پیوند بخش مالی اقتصاد را با بخش واقعی آن مستحکم خواهد نمود. و هزینه‌های بیمه‌گری و در نتیجه آن هزینه‌های تولید کالاها و خدمات در بخش واقعی اقتصاد کاهش محسوسی خواهد داشت.

#### یادداشت‌ها

1. Takafol Operator
2. Wekalah Model with Performance Fee
3. Hybrid Model
4. Participants
5. Participants Takaful Fund

منظور از PTF یا صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل، صندوقی است که دارای شخصیت حقوقی است. و حق مشارکت‌های مشارکت‌کنندگان از جمله دارایی‌های آن به شمار می‌رود که بخشی از حق مشارکت‌های پرداختی با نیت تبرع و به منظور جبران خسارات متقابل پرداخت می‌شود بخشی نیز برای سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. که ساختار صندوق PTF در تکافل عمومی و تکافل خانواده یکسان نیست. مدیریت وجوهات صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل برعهده TO یا متصدی تکافل می‌باشد و مالکیت وجوهات و دارایی‌های آن متعلق به جمع مشارکت‌کنندگان است.

6. Participant Special Account

7. Participant Account

۸. صیغ العقود و الایقات.

کتابنامه

آصفی، م.م (۱۳۸۰)، «بررسی سه فرع فقهی در بانکداری اسلامی»، فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲۷، ص ۷۲.

اقبال، منور (۱۳۸۶)، «معرفی بیمه اسلامی یا تکافل»، ترجمه بهرامعلی تیموری و مهرداد قندچی‌لر، تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۱۵.

اقبال، مهیمن (اسفند ۱۳۸۶ و فروردین ۱۳۸۷)، «چگونگی حذف غرر، میسر و ربا در قراردادهای تکافل»، ترجمه بهرامعلی تیموری و مهرداد قندچی‌لر، تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۱۷ و ۱۱۸.

بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسین (۱۴۲۴ق)، توضیح‌المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی جلد ۲.

توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و سجاد سیفلو (۱۳۸۷)، «تکافل و اهمیت توسعه آن در صنعت بیمه کشور»، تهران: نخستین کنفرانس ملی بررسی فضای کسب‌وکار صنعت بیمه کشور، پژوهشکده بیمه.

حلبی، الف (۱۴۱۷)، غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، جلد ۱.

حلی، ع.ح (۱۴۱۳)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی. رامین کوپر میثمی و دبلیو جین کون (۱۳۸۱)، «تحلیلی از بیمه تکافل اسلامی: سازوکار بیمه تعاونی»، ترجمه حسین میرجلیلی، مجله پول و بانک و بیمه، شماره ۶.

رشیدی نژاد، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی و مطالعه ارائه بیمه های خرد با ساختار تکافل در ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کرمان)»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

روحانی، م. ص (۱۳۷۹)، *المسائل المستحدثة*، قم: مدرسه الامام الصادق (ع)، جلد ۲۰، ص ۱۶۲. سعدی، حسینعلی و میرزاخانی رضا (۱۳۹۲)، «صحت بیمه عمر در عرض عقود مستقل فقهی»، پژوهشنامه بیمه، شماره ۳.

شهید اول، م (۱۴۱۴ق)، *غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه طوسی، الف (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، جلد ۲.

عسگری، محمدمهدی و حمیدرضا اسماعیلی گیوی (۱۳۸۷)، «تحلیل نظری ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافل و بیمه‌های متعارف»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۲. عظیم‌زاده آرانی، محمد (۱۳۹۱)، «تحلیل مقایسه‌ای بیمه اتکایی و تکافل اتکایی و ارائه پیشنهاداتی جهت اجرایی کردن تکافل اتکایی در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

گروه مطالعات اسلامی بیمه پژوهشکده بیمه (۱۳۹۱)، «الگوی تکافل و الزامات اجرای آن در ایران» (طرح پژوهشی به سفارش بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

گیلانی، م (۱۴۱۳ق)، *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*، تهران: مؤسسه کیهان، جلد ۱. محمدی، مهدی و محمدمهدی عسگری (۱۳۹۲)، تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل و آسیب‌شناسی آنها از منظر ذینفعان، *تحقیقات مالی اسلامی*، شماره ۵.

محمدی مهر، محمدحسن (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع). معصوم‌باله، مهد (۱۳۸۹)، *تکافل کاربردی و بیمه مدرن، قوانین و اصول کاربردی*، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مقدس اردبیلی، الف (۱۴۰۳)، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۸ و ۹.

موسویان، سیدعباس و حسن بهاری قراملکی (۱۳۹۱)، مبانی فقهی بازار پول و سرمایه، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

مهدوی، اصغراقا، حمیدرضا اسماعیلی گیوی و مجتبی کاوند (۱۳۸۸)، «بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)»، جستارهای اقتصادی، شماره ۱۲.

یزدی، سیدکاظم (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، جلد ۲.

- Archer, S., Karim, R. A. A., & Nienhaus, V. (Eds.). (2009), *Takaful Islamic Insurance: Concepts and Regulatory Issues* (Vol. 764). John Wiley & Sons.
- Billah, Masum (2003), *Islamic insurance; takaful*, Kuala lampur, Malaysia
- Iqbal, M. (2005), *General Takaful Practice Technical Approach to Eliminate Gharar Maisir and Rib*. Jakarta: GEMA.
- Ismail, E. (2011), *Basic Takaful Broking Handbook*. IBFIM. Kuala Lumpur
- Jaffer, S. (Ed.). (2007), *Islamic Insurance: Trends, Opportunities and the Future of Takaful*. Linnius.
- Khorshid, A. (2004), *Islamic Insurance: A Modern Approach to Islamic Banking*. Routledge.
- Wahab, AR. A., Lewis, M. K., & Hassan, M. K. (2007), *Islamic Takaful: Business Models, Shariah Concerns, and Proposed Solutions*. *Thunderbird International Business Review*, 49(3), 371-396.
- Yassin, N., & Ramly, J. (2011), *Takaful: A Study Guide*. IBFIM.
- Yusof, M. F., Ismail, W. Z. W., & Abdullah, A. K. M. N. (2011), *Fundamentals of Takaful*. Kuala Lumpur: IBFIM.
- Zalkifli Ahmad Mazlan, AbdRahman AbdulHashem, Yassin Nasser, Ramly Jamil (2012), "Basic Takaful Practices Entry Level for Practitioners", IBFIM.



**Comparative Study and Analysis of Takaful Model  
Based on *Imamiyya* Jurisprudence**

***Mahdi Mohammadi\****

*Received: 22/09/2015*

***Hossin Ali Saadi\*\****

*Accepted: 01/03/2016*

***Mohammad Mahdi Askari\*\*\****

By considering the competitive advantages of *takaful* over conventional insurances, such as sharing the underwriting profit (surplus) and return of investment, an investigation into and providing the *takaful* Model based on Shiite Jurisprudence is necessary and unavoidable. Accordingly, with a survey of the legal structure of conventional *takaful* and identification of its problems according to *imamiyya* jurisprudence, some corrective methods within the framework of Advocacy contract are proposed. On this basis, by using *mouawad hiba* instead of *tabarru* intention in payment of contributions and using replacement of compulsory contract on *wakalah* which is revocable, problems and conflicts of conventional *takaful* with *imamiyya* jurisprudence will be solved. Based on this, *takaful* fund & *takaful* operator sign the *mosharakah* contract together. Within a *mosharakah* contract, based on condition of corollary, *takaful* operator company becomes attorney of *takaful* fund. Furthermore, within the *mosharakah* contract *takaful* fund & *takaful* operator will deprive themselves of the right of revocation. Risk sharing in *takaful* structure, not the transaction of risk to commercial insurers, and considering insurers as attorneys of participants will result in economy and reduction of risk coverage costs.

***Keywords:*** Advocacy, Takaful Imamiyya Jurisprudence, Mouawad Hiba

***JEL Classification:*** G22, K12, Z12

---

\* Ph.D. in Economics, Imam Sadiq University (Corresponding Author), economy64@gmail.com

\*\* Associate Professor, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, saadi@isu.ac.ir

\*\*\* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economy, Imam Sadiq University, m.askari@isu.ac.ir